

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات عرب

پایان نامه اخذ کارشناسی ارشد

بررسی و نقد نگرش ایلیا ابوماضی در طلسم

استاد راهنما :

جناب آقای دکتر عباس عرب

استاد مشاور:

سرکار خانم دکتر نجمه رجائی

گردآورنده:

صفیه رحیمی پور

زمستان ۱۳۹۰



بسمه تعالی

مشخصات رساله/پایان نامه تحصیلی دانشجویان

دانشگاه فردوسی مشهد

عنوان رساله/پایان نامه: بررسی و نقد نگرش ایلیا ابوماضی در طلاسم

نام نویسنده: صفیه رحیمی پور

نام استاد راهنما: جناب آقای دکتر عباس عرب

نام استاد مشاور: سرکار خانم دکتر نجمه رجائی

رشته تحصیلی: زبان و ادبیات عرب

گروه: زبان و ادبیات عرب

دانشکده: ادبیات و

علوم انسانی

تاریخ دفاع:

تاریخ تصویب:

تعداد صفحات:

دکتری

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد ■

چکیده رساله/پایان نامه :

ایلیا ابوماضی، شاعر معاصر لبنانی، در سال ۱۸۸۹ در روستای المحدثه به دنیا آمد. او ابتدا به مصر و سپس به آمریکا مهاجرت نمود. از بارزترین فعالیت‌های ادبی ابوماضی در نیویورک، پیوستنش به انجمن قلم، مجموعه‌ی برگزیدگان ادب معتقد به آزادی و نوآور در زمینه شعر بود. از خلال همین انجمن بود که چون شاعری مبتکر و نوآوری درخشید. او در سال ۱۹۲۹ توانست مجله‌ی السمیر را به چاپ برساند. شعر وی پس از پیوستنش به انجمن قلم، از مرحله‌ی کلاسیک قدیم به رومانیک متحول شد و همراه با آن اوزان، قافیه‌ها، الفاظ، مفاهیم، افکار و دیدگاهش نسبت به زندگی وجود دستخوش تغییر شد و در دیوان الجداول که طلاسم نیز از شاهکارهای او در این دیوان است و دیوان الخمائل می‌بینیم که شاعر با جهان‌بینی خاص خودش زیست کند و در دوردست‌های افق شعری سیر می‌کند. سرانجام ایلیا ابوماضی در بیست و سوم نوامبر ۱۹۵۷ پس از گذراندن زندگی سرشار از فعالیت در زمینه‌ی شعر و ادب، رخت از جهان بریست.

امضای استاد راهنما:

کلید واژه:

۱. ابوماضی

۲. شعر معاصر

۳. مهجر

۴. تأمل

۵. جبر و اختیار

تاریخ:

سپاس و ستایش خداوندی را سزااست که نعمت شاد زدن زلف سخن را به آدمیان ارزانی داشت تا نقاب از اندیشه‌ی عشق و معرفت بردارند و او را شکر گویند.

حمد و سپاس بیکران نثار او که توفیق را رفیق را هم ساخت تا این پایان نامه را به فرجام رسانم.

با تقدیر و تشکر از استاد فریخته‌ام جناب آقای دکتر عباس عرب استاد محترم راهنا و استاد فرزانه‌ام سرکار خانم دکتر نجمه رجایی استاد محترم مشاور، این دو پیام آور دانش، ادب و انسانیت که با کرامتی چون خورشید، سرزمین دل را روشنی بخشیدند و گلشن سرای علم و دانش را با راهبانی‌های کارساز و سازنده باور ساختند.

آنان که خلقت اندیشه‌ام را نور بخشیدند و چراغ روشن هدایت را بر کلبه‌ی محقر وجودم فروزان ساختند. به راستی که در مقابل این همه محبت و شکوه، مرانه توان سپاس است و نه کلام و وصف. امید است که این مرحله، روزنه‌ای باشد به سوی فردایی روشن.

زمستان ۱۳۹۰

به پیشگاه مادرم؛

که از زلالی نگاهش، خنده‌های آسمان پیداست.
او که سجده‌ی ایثارش، گل محبت را در وجود پروازند و دلمان گمبارش
نقطه‌های مهربانی را به من آموخت.

به پدرم؛

که سایبان مهرش پناه من است.
به پاس همه‌ی رنج‌ها و مهربانی‌هایش

پیشکش به همسر عزیزم؛

منظر الهام بخش زندگی ام
که گاه و بیگاه وقتی سرگرم افکار دور و دراز و موهوم زندگانی، هستم، خیالش سرزده به میان می‌آید و
همایومی کند. به پاس همراهی و همدلی اش.

به برادرم؛ به پاس نیکی‌های بی‌پایان او

تقدیم به خواهرانم

که مهربانی‌ها و بزرگواری‌هایشان، فروغ زندگی و مایه‌ی امید من است.

فهرست مطالب :

مقدمه:أ

فصل اول : ادب مهجر

شکل گیری ادب مهجر: ۱۵

زمینه ها و عوامل مهاجرت: ۱۶

ادبیات مهجر شمالی: ۱۹

اهداف تأسیس الرابطة القلمیة: ۲۰

برنامه ی الرابطة القلمیة: ۲۰

ادبیات مهجر جنوبی: ۲۱

- وجوه تشابه میان رومانسیسم و ادب مهجر: ۲۷

وجوه اشتراک و تشابه ادب تأملی، ادب مهجر و رومانسیسم: ۲۹

شعر عربی نزد ادبای الرابطة القلمیة: ۳۲

- تجدید و نوآوری در موضوع ۳۲

(۱) قیام علیه تقلید: ۳۲

(۲) نفس و جاودانگی: ۳۶

- ۳) گرایش انسانی در شعر : ۳۹
- ۴) زندگی بین مردم و طبیعت: ۴۰
- ۵) سوریه و لبنان و تأثیر شرق در شعر آنان: ۴۳
- نوآوری در ساختار: ۴۶
- ۱) نوآوری در اوزان: ۴۶
- ۲) نوآوری در موسیقی شعر: ۴۸
- ۳) شعر مثنوی و نثر شعری: ۵۰
- ۴) نوآوری در الفاظ: ۵۲

فصل دوم : زندگی و شرح حال ایلیا ابوماضی

- ابوماضی و مصر ۵۷
- آثار ابوماضی: ۶۲
- شعر ابوماضی: ۶۵
- تأمل و فلسفه: ۶۶

فصل سوم: اندیشه‌های ابوماضی در طلسم و دیدگاه منتقدان در باره این

مفاهیم

- بخش اول: تأملی در اندیشه‌های ابوماضی ۸۴
- جبر و اختیار: ۸۵

- ۹۳ - تعصب و جمود فکری راهبان:
- ۹۷ تحقیر راهبان:
- ۹۸ - اشاره به مرگ و نیستی بشر و توصیه به پرهیز از تجمل‌گرایی:
- ۱۰۳ تغییر احوال:
- ۱۰۵ مرگ :
- ۱۰۶ تساوی همه‌ی انسان‌ها پس از مرگ (درگورستان).
- ۱۰۸ - معاد:
- ۱۱۳ معاد جسمانی:
- ۱۱۴ ازل و ابد نامعلوم:
- ۱۱۸ اصل وجودی انسان:
- ۱۲۰ چرخه‌ی حیات:
- ۱۲۲ شکاکیت و تردید در برتری انسان بر سایر موجودات:
- ۱۲۴ خیر و شر:
- ۱۲۶ - نسبیت خیر و شر:
- ۱۲۷ - عالم قبل از پیدایش:
- ۱۲۹ جهل :
- ۱۳۰ شادی و غم :

آكل و مأكول: ۱۳۱

منشأ وجودى انسان : ۱۳۲

حادث و قديم: ۱۳۳

بخش دوم : بررسى ديده‌گاه برخى از منتقدان در خصوص طلاسّم ۱۳۵

(۱) ديده‌گاه عيسى الناعورى: ۱۳۶

(۲) ديده‌گاه احسان عباس و محمد يوسف نجم: ۱۴۴

(۳) ديده‌گاه سالم المعوش: ۱۴۸

(۴) جعفر الكتانى: ۱۵۱

فصل چهارم : بررسى تطبيقى و مقايسه‌ى اندیشه‌هاى ابوماضى در طلاسّم

بخش اول: بررسى تطبيقى اندیشه‌هاى ابوماضى در طلاسّم و آراء شاعران و

اندیشمندان ديگر ۱۵۸

بخش دوم: مقايسه‌ى طلاسّم و رديه‌ى آن ۲۲۶

منابع و مأخذ ۲۸۲

مقدمه:

ادبیات معاصر عرب، ستارگان بیشماری را در گستره‌ی آسمان خود، به چشم دیده است. یکی از این ستارگان پرفروغ، ایلیا ابوماضی، شاعر و نویسنده معاصر لبنانی است. ایلیا ابوماضی در سال ۱۸۸۹ در روستای المحیدثه در خانواده فقیر رشد یافت. او سپس به مصر مهاجرت می‌کند و اولین تلاش‌های شعری او نیز در مجله‌ی الزهور دیده می‌شود. پس از چندی مصر را ترک گفت و به سوی آمریکا رحل سفر بست و در نیویورک، کانون فعالیت‌های فکری و ادبی رفت و در این شهر به روزنامه‌نگاری روی آورد. از بارزترین فعالیت‌های ادبی ابوماضی، پیوستنش به رابطه القلمیه بود که این انجمن را جمعی از برگزیدگان ادب و نویسندگان معتقد به آزادی و نوآوری در زمینه‌ی شعر و ادب، تشکیل می‌داد.

شایان ذکر است که از خلال همین انجمن، ابوماضی چون شاعر مبتکر و نوآور درخشید و آوازه‌اش جهان عرب را درنوردید. او توانست در سال ۱۹۲۹ مجله‌ی السمیر را به چاپ برساند. او سرانجام در سال ۱۹۵۷ پس از گذراندن زندگی سرشار از کار و فعالیت در عرصه‌ی شعر و ادب و روزنامه‌نگاری و تلاش میهنی، چشم از جهان فرو بست.

شعر ابوماضی، پس از مهاجرت به آمریکا و پیوستن به رابطه القلمیه، از مرحله‌ی کلاسیک قدیم به رومانیک متحول شد و همراه با آن اوزان و الفاظ و مفاهیم و افکار وی و دیدگاهش نسبت به زندگی دستخوش تغییر و تحول شد.

مسأله‌ای که شعر ابوماضی را به دلها نزدیک می‌کند: گرایش انسانی ابوماضی، دعوت به دوستی و الهام از طبیعت و طبیعت‌گرایی اوست.

ابوماضی میراث شعری عظیمی را به یادگار گذاشته است. او در دیوان الجداول به منتهای رشد شعری خود رسیده و این دیوان شامل اشعاری است که از لحاظ شعور انسانی و احساس به طبیعت و زندگی، بعد خیال و تصویرسازی در نهایت زیبایی است. طلاس هم نیز از شاهکارهای ادبی او در همین دیوان است. این قصیده بیش از پیش بر شهرت ابوماضی افزود و او را بیش از گذشته، در جهان عرب مطرح نمود.

هدف از نگارش این پایان‌نامه، آشنا نمودن هرچه بیشتر دوستداران ادبیات معاصر عرب با افکار و اندیشه‌های ابوماضی و نگرش وی در طلاس است.

نگارنده به دلیل پربار بودن ادبیات معاصر عرب و علاقه شخصی به این ادبیات، این موضوع را با راهنمایی و امعان نظر اساتید بزرگوار، برگزیده است.

از لحاظ پیشینه‌ی موضوع، هرچند ایلیا ابوماضی در جهان عرب شهره است و پژوهش‌های زیادی در مورد ادب او صورت گرفته است و در ایران نیز پژوهش‌هایی چند به بررسی ادب و اندیشه‌های او پرداخته‌اند لیک، هیچ‌گونه پژوهش آکادمیک، پیرامون نگرش و اندیشه‌های ابوماضی در طلاس انجام نشده است.

رساله‌ای که پیش روست شامل چهار فصل به شرح زیر است:

فصل اول، در خصوص ادب مهاجر است. چرا که ابوماضی از بزرگان و ادبای برجسته‌ی ادب مهاجر به شمار می‌آید. در این فصل، شکل‌گیری ادب مهاجر، زمینه‌ها و عوامل مهاجرت، اهداف تأسیس الرابطة القلمیة و نوآوری‌های ادب مهاجر در موضوع و ساختار که خود مشتمل بر چند زیر عنوان است، بیان شده است.

تا خواننده تصویری کلی و اجمالی از پیشینه‌ی ادب مهاجر که ابوماضی از ستارگان این ادبیات است، داشته باشد.

فصل دوم؛ به بیان زندگی و شرح حال ابوماضی، آثار و شعر وی و همچنین بررسی افکار و اندیشه‌های ابوماضی در شعرهایش از جمله خوش‌بینی و سپیداندیشی او و . . . می‌پردازد.

فصل سوم؛ تأملی بر اندیشه‌های ابوماضی در طلاس دارد. ابوماضی اندیشه‌های بلندی در طلاس دارد. این بخش بر آن است تا این اندیشه‌ها و تأملات را حسب تکرار و توالی و پرننگ‌تر بودن تم‌های آن در فکر و ذهن شاعر، بیان می‌شود.

در قسمت دوم این فصل به بررسی و ارزیابی، آراء و نظریات عده‌ای از منتقدان (موافق و مخالف) طلاس جهت آشنایی بیشتر خوانندگان با دیدگاه‌های موجود در این قصیده، اختصاص داده شده است.

فصل چهارم که آخرین فصل این رساله است به بررسی تطبیقی اندیشه‌های ابوماضی در طلاس و دیدگاه‌های شاعران و اندیشمندان دیگر پرداخته شده و نقاط تمایز و تشابه به این آراء و دیدگاه‌ها بیان می‌شود.

در قسمت دوم این فصل نیز، به مقایسه و بررسی قصیده‌ای در ردّ طلاس با عنوان حل الطلاس سروده‌ی محمد جواد جزایری پرداخته شده و به بیان دیدگاه‌ها و آراء جزایری در پاسخ به اندیشه‌های ابوماضی پرداخته می‌شود.

اگر بخواهم منابع مورد بحث در این رساله را بیان کنم ناگزیر باید به ایلیا ابوماضی بین الشرق و الغرب، ایلیا ابوماضی رسول اشعر العربی الحدیث، ایلیا ابوماضی دراسته تحلیلیه و دراسات فی الشعر المهجر و . . اشاره نمود.

در پایان، بر خود لازم می‌دانم که از استاد محترم جناب آقای دکتر عباس عرب و استاد محترم مشاور سرکار خان دکتر رجایی، که با نکته‌های دلاویز و گفته‌های بلند، صحیفه‌های سخن را علم پرور نمودند و همواره راهنما و راهگشای نگارنده در اتمام و اکمال پایان‌نامه بوده‌اند، تشکر و قدردانی کنم.

همچنین از تمامی عزیزانی که به نوعی یاری‌گر من در این راه بودند، کمال سپاس و قدردانی را دارم).

آخر صفحه) در جهان عرب شهرت ابوماضی بر کسی پوشیده نیست. او یکی از بنیانگذاران ادب مهجر به حساب می‌آید. او و همفکرانش خواستار تحولی بنیادین در ادبیات معاصر عربی بودند و در این راه به موفقیت‌های بزرگی دست یافتند. یکی از بارزترین وجوه اندیشه‌ی این شاعر، تأثیرپذیری وی از اندیشه‌ی خیام و ابوالعلاء در زمینه‌ی فلسفه‌ی هستی است. او در زمینه‌ی اسرار وجود، طبیعت، سرشت آدمی و ماوراءالطبیعه و . . . اندیشه‌ها و تأملاتی را عنوان می‌کند و در امور فلسفی- کلامی نیز که بسیاری از اندیشمندان بشری نیز به این مضامین و اندیشه‌ها پرداخته‌اند: سؤالات، شبهات و تردیدهایی را مطرح کرده است.

در این رساله نیز این اندیشه‌ها و تأملات بیان شد و آراء و دیدگاه‌های مثبت و منفی تنی چند از منتقدان مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت و همچنین به بررسی تطبیقی اندیشه‌های ابوماضی در طلاس با اندیشه‌های دیگر شاعران و اندیشمندان پرداخته شد. امید که این صفحات مختصر، اندکی در آشنایی خوانندگان نسبت به اندیشه‌های ابوماضی در طلاس راهگشا باشد.

در ضمن به حل الطلاس سروده‌ی محمدجواد جزایری که قصیده‌ای است در ردّ افکار و اندیشه‌های ابوماضی در طلاس، اشاره و مورد ارزیابی قرار گرفت. در خاتمه امید است که این نوشته با هر کیفیتی که دارد، مطبوع طبع قرار گرفته باشد، که آرزوی من نیز جز این نیست. تا که چه قبول افتد و چه در نظر آید؟!

فصل اول

ادب منجر



شکل گیری ادب مهجر:

کشورهای عربی به ویژه لبنان و سوریه در قرن نوزدهم و بیستم با بحران حاکمیت دیکتاتوری دست و پنجه نرم می‌کرد. وجود حاکمان مستبد و ضد مردمی فضای زندگی مردم، اهل ادب و اندیشه را بسی تنگ کرده بود. فشارهای اقتصادی، فکری و سیاسی، آرامش روحی و روانی را از مردم گرفته بود. در کنار این شرایط، نومیادی از بهبود اوضاع آینده، بحران را پیچیده‌تر کرده و در نتیجه بسیاری از شهروندان کشورهای لبنان و سوریه، زندگی دیار غربت و پیامدهای آن را بر ماندن در کنار خانواده، خویشان و دوستان ترجیح دادند. گروههای زیادی از ساکنان این کشورها، راه مهاجرت به آمریکا را در پیش گرفته و در آمریکای شمالی و جنوبی سکونت گزیدند. بیشتر مهاجران زندگی با شرایط بهتر را پی می‌گرفتند. در نهایت، آنان به دنبال گشایش معضلات اقتصادی و معیشتی خود بودند. آنها به حرفه‌های مختلف به خصوص مشاغل آزاد روی آوردند اما بسیاری از کسانی که مقابل هموطنان خود احساس مسئولیت کرده و اهل اندیشه، ادبیات و هنر بودند، به میدان فکر و تولید اندیشه و بازپروری آن وارد شدند. این افراد، وظیفه خود در برابر ملت و کشور خویش را به خوبی انجام دادند. آنها با شروع فعالیت‌های ادبی و هنری، مجلات و نشریاتی را برای ترویج محصولات فرهنگی خود چاپ کرده و



در نهایت با تأسیس (الرابطه القلیمه) در شمال آمریکا و (العصبه الأندلسیه) در جنوب آمریکا، رسالت انسانی خویش را به اتمام رساندند.

زمینه‌ها و عوامل مهاجرت:

۱) فشار معیشت، بحران اقتصادی و قحطی بویژه در سوریه شرایط نامطلوب اقتصادی، تورم و بحران مالی و اقتصادی و در کنار آن بلای قحطی تمام توان مردم را گرفته بود و به هر وسیله‌ی ممکن در پی نجات از این شرایط شکننده بودند.

۲) ظلم ترکان عثمانی در کشورهای لبنان و سوریه و فشارهای سیاسی و حاکمیت دیکتاتوری یکی از عوامل تعیین کننده در ماجرای مهاجرت به آمریکا بود. (عبدالدايم، ۱۹۹۳: ۲۳) مردم کشورهای یاد شده و بویژه نخبگان و اندیشمندان اهل قلم، شرایط کشور را برای ترویج ادبیات، هنر و فرهنگ ناب انسانی نامساعد دیدند، با توجه به این وضعیت و با تأثیر عامل اقتصادی بر آنان، یک دنیا تفاوت در انگیزه و اختلاف در افق دید، به سیل مهاجرت پیوستند.

۳) مهاجران بویژه لبنانی‌ها، بیشتر مسیحی بودند و به فرقه‌های کاتولیک، ارتدوکس و پروتستان گرایش داشتند، دین رسمی مردم آمریکا نیز مسیحیت بود؛ از این جهت هماهنگی و همسویی فکری - مذهبی، عامل مهمی برای حرکت مهاجران به سوی سرزمین آمریکا بود، علاوه بر این هیئت‌های مذهبی و میسیونرهای مسیحی آمریکایی قبل از مهاجرت، به شدت مشغول تبلیغ مسیحیت بودند.

۴) در آن مرحله‌ی خاص، مهاجرت به آمریکا و اقامت در آن، فوق‌العاده راحت و بدون مشکلات و تشریفات متداول در سایر کشورها بود، زیرا آن کشور به نیروی کار



ارزان نیاز شدید داشت، سیل مهاجران، بهترین زمینه برای جذب این نیروها در بخش‌های خدماتی صنعتی و کشاورزی با دستمزد بسیار ارزان بود، به دلیل عدم احساس نگرانی آمریکا نسبت به مهاجران مقررات اداری و امنیتی و روند مهاجرت و اقامت در آن کشور، بیش از حد آسان بود، لذا این موضوع بهترین زمینه برای پذیرش سیل توفنده مهاجران عرب شد.

۵) مهاجرت به آمریکا برای سوری‌ها و لبنانی‌ها، مسأله‌ی تازه‌ای نبود. بلکه آنها وارثان سنت گذشتگان خود، فینیقی‌ها بودند که به منظور تجارت به دریانوردی و جهانگردی دست می‌زدند. فینیقی‌ها در دریانوردی و سفر به اماکن مختلف دنیا شهرت داشتند، از این رو، موضوع شهروندان لبنان و سوریه، ریشه در تاریخ اجداد آنها دارد. حتی مهاجران سوری و لبنانی قبل از آمریکا به مصر مهاجرت کردند ولی با هشدار استعمار انگلیس - که آن زمان قیمومیت مصر را بر عهده داشت - آن کشور را ترک کردند.

۶) تبلیغ و گسترش فرهنگ آمریکایی با روش‌های مختلف در میان سوری‌ها و لبنانی‌هایی که گرفتار استبداد ترکان عثمانی و تحت فشار زمین داران و کلیساهای خود قرار داشتند، مؤثر واقع شد.

مهاجران این کشور برای رهایی از فشار و دیکتاتوری، آمریکا را کعبه‌ی آمال خود دانسته و در رؤیاهای خود، آن کشور را مهد آزادی، عدالت و مساوات، تلقی کردند. مهاجران خسته از ظلم و ستم، استبداد و تحقیر در پی مدینه‌ی فاضله‌ای بودند که در آنجا اخلاق، محبت و تسامح حاکم باشد، (که این امر شاید در شکل‌گیری سبک شعری آنها - رومانتیک - مؤثر باشد چرا که در رومانتیک نیز شعرا خسته و ملول از دنیای واقع



و ناامید از واقعیت در پی دنیای مثالی و ایده‌آل و فرار از عالم واقع هستند) اما به محض روبه‌رو شدن با تمدن آمریکایی و کیفیت زندگی در شهرهای آمریکا تمام آرزوها و آرمان‌های خود را بر باد رفته دیدند و به شدت دچار نومیدی و تنفر شدند، تبلیغات پوچ و ارائه‌ی یک زندگی به ظاهر آرمانی موجب مهاجرت به کشورهای آمریکای شمالی و جنوبی شد. یکی از ادیبان مهجر شمالی (امین مشرق) می‌گوید: از نیویورک، آمریکا و دنیا، متنفر و بیزار شده‌ام و در زندگی جز تو، مادرم! چیزی نمانده است. (الفاخوری، ۱۹۵۷: ۱۱۶)

۷) احساس نومیدی در جان آزاد مردان که در پی انقلاب ترکها بر عربها، همه‌ی ملت‌های عرب را فرا گرفته بود و اهمال دولت عثمانی در وعده‌های فریبنده‌ای که به عربها داده بودند و انقلاب شریف حسین سال ۱۹۱۶ که با شکست روبرو شد و همه‌ی عربها از لبنان، سوریه، عراق و فلسطین و حجاز در آن شرکت داشتند که این شکست، تأثیر زیادی در خشم ادبای عرب و اهل فرهنگ داشت.

این عوامل، موجب شد که اهل ذوق و ادبیات، سرزمین مادری خود را ترک کرده و بخشی از ادبیات معاصر عربی را در آمریکای شمالی و جنوبی شکل دهند.

ادبیات عرب در طول تاریخ در سرزمین‌های عربی شکل گرفت و ماهیت کاملاً بومی داشت اما در دو مقطع زمانی این ادبیات در خارج از محدوده‌ی کشورهای عربی، شکل گرفت. اول در جریان مهاجرت به اندلس، قرطبه و اشبیلیه، و دوم در ماجرای مهاجرت ادبای سوری و لبنانی به آمریکای شمالی و جنوبی است. ادبیات عرب پس از قرن‌ها محدودیت به کشورهای عربی و انحصار آن به عربها، با این مهاجرت از